

## فصل نهم

### نتیجه گیری



مشکلات آبی در همه جای خاورمیانه عربی، همان‌گونه که در خلال فصول گذشته به تفصیل تشریح گردید، بسیار جدی است. تا سال ۲۰۰۰ میلادی منابع آبی این منطقه، به نصف آنچه در سال ۱۹۷۵ بوده، کاهش خواهد یافت. این در حالی است که نیازهای آبی آن تقریباً دو برابر می‌گردد. اگر ماهیت کاهنده منابع آب؛ تعارضات گسترده منافع ملی کشورهای منطقه؛ رقابت‌های سنتی آن‌ها؛ توسعه شهرنشینی و پدیده صنعتی شدن را هم در نظر بگیریم، به خوبی روشن می‌شود که بحران آب در خاورمیانه عربی، حتی زودتر از آنچه کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند، بروز نموده و منطقه را درگیر جنگ‌های ویرانگری خواهد کرد.

دلایل بروز و شدت و ضعف بحران آب در بخش‌های مختلف خاورمیانه عربی یکسان نیست. ضمناً این واقعیت نیز انکارناپذیر است که مشکلات ذاتی متنوعی نظیر کمبود منابع آبی، توزیع نامتوازن آن‌ها و اشتراکی بودن اکثر این منابع محدود و ناکافی، در کل خاورمیانه عربی وجود دارند. اما در عین حال می‌توان مجموعه عظیمی از مشکلات غیر طبیعی و ثانویه را که به صورت فراگیری شیوع یافته و تقریباً دامنگیر همه بخش‌های این منطقه شده‌اند، شناسایی کرد. این مشکلات در دو گروه مشکلات ملی و مشکلات منطقه‌ای قابل بررسی و معرفی هستند.

مشکلات ملی عبارتند از: عدم شناخت درست و به موقع نقش آب به عنوان عنصری حیاتی و بی‌جایگزین؛ استحصال بی‌رویه و مصرف بیش از حد آب‌های موجود (آن هم به روش‌های سنتی که موجب هدر رفتن ۵۰ تا ۶۰ درصد این منابع می‌گردد)؛ ضعف و سوء مدیریت دولت‌ها به ویژه در زمینه تنظیم و اجرای یک برنامه ملی جامع جهت کاهش مصرف آب، خاصه در بخش کشاورزی؛ ناتوانی دولت‌ها در اجرای سیاست‌هایی نظیر قیمت‌گذاری، حذف یا کاهش یارانه آب که می‌تواند از مصرف بی‌رویه آن جلوگیری کند؛ ضعف و نارسایی سیستم‌های جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، بازیافت و جایگزینی منابع آب؛ اتخاذ سیاست‌های پرستیژی در زمینه خود اتکایی غذایی که علیرغم عایدات اقتصادی ناچیز و مصرف بخش قابل توجهی از آب‌های تجدیدناپذیر منطقه، متأسفانه همچنان دنبال می‌شوند؛ عدم بهره‌گیری شایسته از نیروها و سازمان‌های غیر دولتی، در

حل معضلات آبی و افزایش بی‌رویه جمعیت (با نرخ متوسط ۲/۲ تا ۳/۷ درصد) که بر خلاف قابلیت‌های جمعیت‌پذیری خاورمیانه عربی جریان دارد و کشورهای منطقه را مجبور می‌کند تا آب مورد استفاده در بخش کشاورزی را که ۸۰٪ کل آب‌های موجود را شامل می‌شود، در بخش‌های دیگری چون مصارف خانگی، رفاهی، بهداشت و صنایع مورد استفاده قرار دهند. این مسئله با ضربه مهلکی که بر پیکر کشاورزی این کشورها وارد می‌کند، موجب افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها، بحران اقتصادی، افزایش بیکاری و دیگر عوارض منفی اجتماعی می‌گردد.

با توجه به مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که ضعف سیاست‌های ملی اگر چه مستقیماً به ایجاد منازعات سیاسی در منطقه نمی‌انجامد، اما از آنجا که یکی از عوامل اساسی تشدید مشکلات آبی و بروز بحران آب در اکثر نقاط این منطقه است، نقش معینی در بروز نارضایتی‌ها و درگیری‌های داخلی و به تبع آن بی‌ثباتی منطقه دارد. بنابر این همان‌گونه که ضعف سیاست‌های ملی به بروز و تشدید بحران آب در منطقه کمک کرده است، بی‌شک اصلاح این سیاست‌ها نیز به سهم خود منشاء حل احتمالی بحران خواهد بود.

همان‌طور که پیشتر اشاره کردیم گونه دومی از مشکلات نیز وجود دارند که می‌توان از آنها به‌عنوان مشکلات منطقه‌ای یاد کرد. اهم این مشکلات که بر خلاف گروه اول، نقش بسیار زیادی در شکلگیری منازعات سیاسی بر سر آب در سطح منطقه دارند، عبارتند از: پیشینه‌های خصومت‌آمیز؛ اختلافات مرزی؛ مناقشات قومی و مذهبی؛ تعارضات سیاسی؛ رقابت‌های اقتصادی؛ اختلاف نظرهای جدی در تسهیم منابع آبی مشترک و وجود قدرت‌ها و کشورهایی در هر یک از حوزه‌های رودخانه‌ای منطقه که نسبت به سایر کشورهای آن حوزه از توانایی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی افزونتری برخوردارند و ضمن داشتن بیشترین تسلط بر منابع مشترک حوزه، سهم قابل توجه و ناعادلانه‌ای از آب‌های مشترک را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند. این قدرت‌های برتر در سه حوزه رودخانه‌ای نیل، فرات و اردن به ترتیب عبارتند از: مصر، ترکیه و اسرائیل.<sup>(۱)</sup> قرار گرفتن هر یک از

---

۱. ضمیمه شماره یک قدرت تخمینی کشورها و رژیم‌های واقع در سه حوزه رودخانه‌ای خاورمیانه عربی را به صورت مقایسه‌ای نشان می‌دهد.

این قدرت‌های برتر در بالا دست یا پایین دست رودخانه‌های مزبور موجب شده است تا شرایط متفاوتی در هر یک از این حوزه‌ها ایجاد گردد. تصمیم برای تخصیص یا همکاری در هر یک از حوزه‌های مذکور، تا حدود زیادی متأثر از همین واقعیت‌های جغرافیایی و ملاحظات فیزیکی است.

در حوزه رود نیل به دلیل قرار گرفتن مصر در پایین دست رود، کشورهای بالادست کمتر قادر به استفاده از آب به عنوان اهرمی سیاسی گردیده و به همین دلیل گرایش به نوعی همکاری و مصالحه در بین آن‌ها مشاهده می‌شود و این درست نقطه مقابل حوزه رود فرات است که در آن ترکیه هم سرمنشاء آب‌ها را در اختیار دارد و هم قدرت برتر حوزه است. به همین دلیل همکاری‌ها در حوزه فرات همواره با شکست مواجه شده و ترکیه همیشه از آب به عنوان اهرمی سیاسی استفاده کرده است. شرایط در حوزه رود اردن بغرنجتر است. زیرا اسرائیل به عنوان قدرت برتر حوزه نه بر اساس موقعیت خدادادی و ممتاز جغرافیایی خود - مانند ترکیه - بلکه بر اساس غصب آب‌های دیگر کشورها، بر اغلب منابع آبی حوزه چنگ انداخته و با بهره‌گیری از توان سیاسی و نظامی خود و حمایت‌های متنوع و پیوسته‌ای که از برخی مجامع و مراجع بین‌المللی دریافت می‌کند، نهایت اجحاف را در حق کشورهای دیگر حوزه روا می‌دارد. این در حالی است که بر خلاف حوزه رود فرات، همه کشورهای حوزه رود اردن (به غیر از لبنان) از کمبود شدید آب رنج می‌برند.

تکیه بر نقش مسایل و مشکلات ملی و منطقه‌ای در پیدایش، تداوم و تحقق و تعمیق بحران آب در خاورمیانه عربی، نایستی موجب غفلت از تأثیرات مخرب فقدان قوانین بین‌المللی ناظر بر آب‌های مشترک، در بروز و تشدید بحران آب در بسیاری از بخش‌های این منطقه گردد. زیرا اغلب رودخانه‌های مهم خاورمیانه عربی در بیشتر از یک مرز سیاسی جریان یافته و از کشورهای عبور می‌کنند که هر یک از آن‌ها به این رودخانه‌ها به مثابه شریانی حیاتی برای تداوم زندگی خود می‌نگرند. تسهیم آب ذیقیمت و ناکافی این منابع محدود، میان کشورهای بی‌گناهی که به هیچ‌وجه از سهمیه دریافتی خود راضی نیستند، کار آسانی نیست. این در حالی است که تاکنون علیرغم تلاش‌های وسیع به عمل آمده برای تدوین مقرراتی فراگیر در خصوص آب‌های مشترک، هنوز هیچ قانون

جامع و معتبر بین‌المللی در این زمینه وجود ندارد و فراگیرترین مقررات بین‌المللی که تاکنون تدوین و ارائه شده چیزی بیش از چند اصل و توصیه کلی نیست و آنچه عملاً مبنای عمل در زمینه بهره‌برداری از این آب‌ها قرار می‌گیرد، معدودی از پیمان‌های منعقد شده میان دو یا چند کشور از مجموع کشورهای سهم‌دار در یک منبع آبی مشترک است. این پیمان‌ها نیز اغلب دستخوش بازی‌های سیاسی، توجیهات و تفسیرهای گوناگون قرار می‌گیرند و کارآیی بایسته را ندارند. به گونه‌ای که از مجموع ۲۸۶ پیمان منعقد شده در خصوص آب‌های مشترک - به استثنای موافقتنامه ۱۹۵۹ مصر و سودان در زمینه تقسیم آب نیل - هیچ یک به‌طور جدی و همه‌جانبه رعایت نمی‌شوند. موافقتنامه ۱۹۵۹ مصر و سودان نیز همان‌گونه که از عنوان آن پیداست، تنها توافقی میان دو کشور از مجموع نه کشور حوزه نیل است و به همین دلیل نمی‌توان نسبت به کارآیی آن در دراز مدت امیدوار بود.

ناتوانی حقوق بین‌الملل در ارائه تعریف دقیقی از منابع بین‌المللی آب و تدوین چارچوب جامع و قابل قبولی برای تقسیم آن‌ها و تعیین میزان و کیفیت حاکمیت دولت‌ها بر آب‌های مشترکی که از مرزهای سیاسی آن‌ها عبور می‌کنند، موجب درهم پیچیدگی بیش از پیش مسایل شده و چاره‌ای جز این که سرانجام مسایل و مشکلات آبی بر مبنای سیاسی مورد حل و فصل قرار گیرند، باقی نگذاشته است.

مجموع مسایل و مشکلات چهارگانه فوق (مشکلات طبیعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) که هر یک سهم معینی در بروز بحران آب یا تشدید آن در خاورمیانه عربی دارند، در کنار ملاحظات دیگری نظیر موقعیت حوزه‌ای و توان تأثیرگذاری هر یک از کشورهای منطقه بر فرایند تقسیم و تسهیم منابع آبی مشترک، موجب بروز حالت‌های بحرانی متفاوتی در هر یک از حوزه‌ها گردیده است. همین امر به نوبه خود سبب شده است تا نتایج بررسی‌های ما در خصوص بحران آب و روندهای آتی و احتمالی آن، در هر یک از این حوزه‌ها، متفاوت باشند. به گونه‌ای که اگر چه دو حوزه خلیج فارس و رود نیل در تقسیم‌بندی کلی ما در گروه حوزه‌های بالقوه بحرانی قرار می‌گیرند، اما در هر کدام از آن‌ها شرایط خاصی حاکم بوده و دورنمای بحران در آن‌ها به طرز محسوسی متفاوت به نظر می‌رسد.

حوزه خلیج فارس با شدیدترین نارسایی‌های آبی در خاورمیانه عربی روبروست. بحران آب در این حوزه، عمدتاً ناشی از کمبود طبیعی منابع آبی است و منابع مشترک سهم بسیار ناچیزی در ایجاد یا تشدید مشکلات موجود دارند. علیرغم کمبود بسیار شدید آب در این حوزه، بحران آب در آن تاکنون به بروز مشکلات جدی منتهی نگردیده است و این امر تا حدود زیادی نتیجه وجود مایع حیاتی و ذیقیمت دیگری به نام نفت است که در چند دهه گذشته بیشترین نقش را در شکل دادن به فضای سیاسی منطقه ایفا کرده است. خلیج فارس دارای بزرگترین ذخایر نفتی جهان است. درآمدهای سرشار نفتی با دو مزیت جغرافیایی خداداد دیگر که عبارتند از: همجواری با دریا و همسایگی با کشورهای بالنسبه پر آب ترکیه و ایران، موجب شده است تا بحران آب در این حوزه، با شیوه‌های پر هزینه‌ای نظیر شیرین کردن آب دریا یا واردات آب، فعلاً، کنترل گردد. اما نباید از نظر دور داشت که منابع نفتی نیز پایان‌ناپذیر نیستند و با اتکاء به درآمدهای نفتی نمی‌توان برای همیشه این بحران فزاینده را مدیریت کرد. آن دسته از کشورهای این حوزه نظیر بحرین که فاقد منابع نفتی هستند، از هم اکنون با بحرانی جدی دست به گریبانند.

اوضاع در حوزه رود نیل به گونه دیگری است. در اینجا بحران موجود، بیش از آنکه ناشی از کمبود طبیعی آب باشد؛ ریشه در اختلاف کشورها بر سر سهمیه‌ای که از آب نیل دریافت می‌کنند دارد. عبور نیل از (۹) مرز سیاسی ابعاد این اختلافات را گسترش بیشتری داده است. بیشترین مصرف‌کننده آب نیل مصر است که آخرین کشور پایین دست رود بوده و کلیه سرچشمه‌های نیل نیز در خارج از خاک آن کشور قرار دارند. به همین دلیل عملاً نمی‌تواند هیچ‌کس بر جریان آب این رودخانه داشته باشد. در مقابل، ۸۶٪ آب نیل از اتیوپی سرچشمه می‌گیرد. کشوری که در توافقات موجود این حوزه، نیازمندی‌های آبی آن از رود نیل مورد توجه قرار نگرفته است.

با توجه به مجموع شرایط فوق، نخستین گمانی که زده می‌شود آن است که بایستی تخصصم شدیدی در این حوزه جریان داشته باشد، اما واقعیت‌های موجود خلاف این امر را نشان می‌دهند. آنچه در اینجا مشاهده می‌شود، سازشی نسبی است که به نظر نمی‌رسد در کوتاه مدت یا حتی میان مدت، به هم بخورد. در تحلیل این آرامش، بایستی متذکر گردید که اولاً مصر به‌عنوان قدرت برتر

این حوزه، بر خلاف دیگر حوزه‌های رودخانه‌ای مورد بررسی ما در خاورمیانه عربی، در پایین دست رود قرار دارد و از حیث جغرافیایی در موقعیتی نیست که کنترل آب نیل را به نحو دلخواه در اختیار داشته باشد؛ اما از سوی دیگر، این کشور با توجه به توانایی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی خود قادر است، در هر شرایطی، سهم مورد نیاز یا دستکم عادلانه خود را از آب نیل مطالبه و تحصیل نماید. ثانیاً کشورهای بالادست رود، بر خلاف مصر (که هرودوت از آن به عنوان هدیه نیل نام می‌برد) به‌طور سنتی به آب نیل متکی نبوده و به همین دلیل ضمن این که تاکنون به صورت جدی در صدد مطالبه سهم بیشتری از آب‌های نیل بر نیامده‌اند، منکر سهم بیشتر مصر از آب نیل نیز نشده‌اند. ثالثاً این کشورها در حال حاضر از نظر مالی در وضعیتی نیستند که بدون مساعدت‌های خارجی بتوانند پروژه‌های بزرگی را اجرا نمایند. بدیهی است مخالفت کشورهای پایین دست رود، خصوصاً مصر هم مانع از تأمین اعتبار این پروژه‌ها از سوی مراجع مالی و پولی بین‌المللی خواهد شد. رابعاً بسیاری از کشورهای بالادست نیل، مسایل و مشکلات داخلی عدیده‌ای دارند که دولت‌های آن‌ها را از توجه جدی به این موضوع و بسیج امکانات در این جهت، باز می‌دارند. مشکلات سودان با شورشیان جنوب از مصادیق این مدعاست. بنابراین مشکلات آبی در حوزه رود نیل، نه به شدت بحران موجود در حوزه خلیج فارس است و نه شرایط نسبتاً آرامی که اکنون در این حوزه حکمفرماست به شکنندگی شرایط آن حوزه می‌باشد.

در حوزه‌های بالفعل بحرانی رود فرات و رود اردن بحران آب ابعاد و دورنمای کاملاً متفاوتی با آنچه در خصوص حوزه‌های بالقوه بحرانی خلیج فارس و رود نیل گفته شد، دارد. حوزه رودخانه‌ای دجله - فرات، بر خلاف تمام بخش‌های دیگر خاورمیانه عربی، تنها سیستم رودخانه‌ای منطقه است که دارای مازاد آب می‌باشد. به همین دلیل بر عکس نقاط دیگر که با کمبود آب مواجه هستند، مشکلات مربوط به تسهیم آب، مدیریت آن و طرح‌های توسعه، علل اصلی بروز بحران در این حوزه هستند. ترکیه دو رود دجله و فرات را به این دلیل که از خاک آن کشور سرچشمه می‌گیرند، منابع داخلی خود دانسته و معتقد است همان‌گونه که اعراب حق هر نوع بهره‌برداری از منابع نفتی خود را دارند، این کشور نیز بر اساس دکترین هارمون می‌تواند بهره‌برداری دلخواه را از این آب‌ها به عمل آورد.

مسایل دیگری هم نظیر مسئله کردها؛ حمایت ترکیه از مخالفان اسد؛ ادعای ارضی سوریه نسبت به استان هاتای ترکیه؛ تعارضات ایدئولوژیکی سوریه و عراق (علیرغم حاکمیت حزب بعث در هر دوی آن‌ها) و تشدید اختلافات آن‌ها به ویژه پس از جنگ عراق علیه ایران و تجاوز عراق به کویت، مزید بر علت شده و بحران موجود را تشدید می‌کنند و آب را به یک اهرم نیرومند و ابزار کارآمد سیاسی در معادلات کشورهای این حوزه تبدیل می‌نمایند.

سوریه و عراق اگر چه هر دو شدیداً به آب فرات نیازمندند و از این حیث متحد طبیعی یکدیگر در مقابل ترک تازی‌های ترکیه به شمار می‌آیند، اما به دلیل تعارضات دیرینه سیاسی - ایدئولوژیکی خود و نیز اختلاف نظری که در مورد سهمیه‌بندی باقیمانده آب فرات دارند، تاکنون نتوانسته‌اند اقدامی جدی و هماهنگ علیه ترکیه به عمل آورند و مانع از اجرای طرح‌های عظیم آبی آن کشور گردند. سیاست غیر منعطف ترکیه و طرح‌های توسعه‌طلبانه بسیاری که مجدانه دنبال می‌کند، همراه با کاهش روزافزون سهمیه آب دریافتی سوریه و عراق و افزایش نیازمندی‌های آبی آن‌ها، اوضاع را در این حوزه به شدت متشنج کرده و اختلافات دیگری که کشورهای مذکور با یکدیگر دارند نیز بر آن‌ها افزوده شده و بستر مناسبی را برای استفاده‌های سیاسی از آب فراهم آورده است. این موضوعی است که از سال‌ها پیش و در مقاطع مختلف، به کرات شاهد آن بوده‌ایم.

شرایط حوزه رود اردن بسیار پیچیده‌تر است. این حوزه کوچکترین حوزه رودخانه‌ای خاورمیانه عربی است که تاکنون بیشترین و بزرگترین مشکلات را داشته است. نارسایی‌های شدید آبی؛ برداشت‌های متفاوتی که کشورهای حوزه از نیازها و حقوق تاریخی خود بر منابع آبی دارند؛ مناقشات طولانی اعراب و اسرائیل؛ اختلافات قومی، مذهبی و سیاسی؛ فقدان توافقات چندجانبه میان کشورهای حوزه و اقدامات غیر قانونی و زورمدارانه اسرائیل در غصب منابع آب منطقه، بحران آب را در این حوزه وارد مراحل عمیق و وحشتناکی کرده است. کشورهای دیگر این حوزه که بخش عمده‌ای از آب‌های متعلق به آن‌ها اکنون عملاً تحت کنترل و سیطره اسرائیل قرار گرفته است، از کمبود شدید آب رنج می‌برند. شعارهای اسرائیل مبنی بر «صلح در برابر زمین» نیز که مبنایی برای شروع مذاکرات سازش بود، پس از حصول موفقیت‌های اولیه صهیونیست‌ها، در پایان دادن به

سال‌ها خصومت و مبارزه اعراب با آن‌ها و عقد قراردادهای سازش، به فراموشی سپرده شد و با روی کار آمدن جناح لیکود جای خود را به شعار «صلح در برابر صلح» داد. اسرائیل که در واقع یکی از مهمترین اهداف توسعه طلبی‌های ارضی آن از بدو پیدایش، در اختیار گرفتن سرچشمه‌های منابع آب منطقه بوده، اکنون حاضر به از دست دادن و یا حتی سهم کردن دیگران در این سرمایه استراتژیک نیست و همچنان سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود را دنبال می‌کند.

عدم خروج اسرائیل از اراضی اشغالی به ویژه بلندی‌های جولان و تداوم و تشدید سیاست‌های شهرک سازی این رژیم در مناطق اشغالی که ناشی از عزم اسرائیل برای حضور دائمی در این مناطق است، از جمله شواهدی هستند که پرده از اهداف واقعی این رژیم بر می‌دارند. حاصل بررسی‌های ما و دلایل زیر نشانگر آنند که اسرائیل از سیاست‌های توسعه‌طلبانه دست برنخواهد داشت. زیرا اولاً نیازمندی‌های آبی اسرائیل - که اساس بسیاری از توسعه‌طلبی‌های ارضی آن بوده - به حدی است که حتی با حفظ منابع عمده‌ای که در سال‌های بعد غصب نموده نیز قادر به برآوردن آن‌ها نخواهد شد. به همین جهت به نظر نمی‌رسد تحت هیچ شرایطی از منابعی که به صورت نامشروع به دست آورده است چشم‌پوشد؛ ثانیاً ناهمگونی ذاتی این رژیم با کشورهای منطقه و ویژگی‌های خاص آن به گونه‌ای است که حتی در صورت حصول یک توافق و سازش فراگیر هم، بنا به ملاحظات امنیتی و استراتژیکی، نمی‌تواند به منابع آبی که ریشه در خارج از قلمرو اشغالی این رژیم دارند متکی باشد. این موضوعی است که مقامات اسرائیل خود گاه و بیگاه به صراحت اعلام کرده‌اند؛ ثالثاً اسرائیل اکنون در سایه حمایت‌های گسترده و پیوسته آمریکا و بی‌آنکه امتیاز در خور توجهی به اعراب بدهد، توانسته است مراحل اولیه سازش را با موفقیت پشت سر گذاشته و موجودیت سیاسی خود را به آنان تحمیل نماید و عملاً زمینه را برای حضور همیشگی خود در محدوده سرزمین‌هایی که هم اکنون در اختیار دارد، فراهم سازد؛ رابعاً این رژیم از بدو تشکیل همواره مورد حمایت آشکار کلیه کشورهای غربی بوده و با اتکاء به همین حمایت‌های مداوم و بی‌دریغ - که دلیلی نیز برای عدم تداوم آن‌ها مشاهده نمی‌شود - نیازی به دادن امتیازات واقعی به اعراب احساس نمی‌کند.

از سوی دیگر نبایست از نظر دور داشت که قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا، در خاورمیانه پس از صلح، به دنبال اسرائیلی هستند که مرکز ثقل و کانون هدایت سیاسی - اقتصادی منطقه باشد و به منزله اتاق فرمانی عمل نماید که همه فعالیت‌های اساسی کشورهای خاورمیانه از آن طریق کنترل و هدایت می‌شوند. به همین دلیل تاکنون که با شروع روند سازش و عقد پاره‌ای قراردادها، موانع سیاسی این امر تا حدود زیادی رفع شده است، در صدد فراهم آوردن مقدمات همگرایی اقتصادی این رژیم تحمیلی با اعراب هستند و برای دستیابی آسانتر به این هدف کار را در زمینه‌های مساعدتر و مورد علاقه طرفین آغاز کرده‌اند. طرح‌های مختلفی که توسط ده‌ها مؤسسه دولتی و غیر دولتی آمریکایی، انگلیسی و وابسته به صهیونیسم بین‌المللی ارائه شده و می‌شوند و در همه آن‌ها حفظ سیادت و محوریت اسرائیل به طرز محسوسه رعایت شده است، گواه این مدعا می‌باشد. تداوم این شرایط و استمرار تسلط نامشروع اسرائیل بر منابع آبی این منطقه، غده چرکینی است که روزی سرباز خواهد کرد و فصل جدید و احتمالاً خونینی از منازعات اعراب و اسرائیل را رقم خواهد زد.

تحلیل نهایی مباحث مطروحه و تطبیق نتایج حاصله در خصوص هر یک از حوزه‌های مورد مطالعه، تداعی کننده این برداشت کلی است که بحران آب در خاورمیانه عربی عمدتاً زاییده تقارن و درهم تنیدگی مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و اولیه مانند نارسایی‌های شدید آبی؛ پراکندگی نامتوازن و اشتراکی بودن بسیاری از منابع آب منطقه و مسایل و مشکلات ثانویه‌ای نظیر ضعف سیاست‌های ملی کشورهای منطقه در بهره‌برداری از منابع آبی؛ نگرانی‌های امنیتی؛ اختلافات و تعارضات تاریخی، سیاسی و مذهبی و افزون طلبی‌ها و رقابت‌های اقتصادی آن‌ها می‌باشد. بی‌شک در چنین فضایی که همه چیز برای تشدید بحران و وخامت بیشتر اوضاع مهیاست، تنها با تصحیح سیاست‌های ملی - که البته در جای خود بسیار مهم و حیاتی است - نمی‌توان به مدیریت بحران امیدوار بود.

آنچه می‌تواند به بهبود وضعیت نگران کننده آب در خاورمیانه عربی کمک کند و از خطر بروز خشونت‌های جدی در این زمینه بکاهد، همکاری آگاهانه، عالمانه، عادلانه و گسترده همه کشورهای منطقه و تلاش جمعی آن‌ها برای جذب حداکثر کمک‌های ممکن از مراجع بین‌المللی از

یک سو و بسیج کلیه نیروها، امکانات و استعدادهای ملت‌های منطقه برای مقابله با بحران موجود از سوی دیگر است. پیداست که این سطح و میزان از همکاری، در فضایی ملت‌هپ، ناآرام و آکنده از تخاصم و تبعیض، متصور نیست.

البته ناگفته نماند که بحران آب و مشکلات طبیعی از این قبیل، ضمن اینکه می‌توانند منبع تولید خشونت و تنازع باشند، در عین حال قادرند بستر مناسبی برای توسعه همکاری‌ها و به تبع آن رفع سایر مشکلات هم باشند. لکن متأسفانه آنچه تاکنون عملاً در فضای خاورمیانه عربی مشاهده می‌شود حالت نخست است. در حال حاضر در این منطقه، آب عامل تولید منازعات درون منطقه‌ای است و نفت به عنوان عامل موجد جدال‌های فرامنطقه‌ای عمل می‌کند. البته این دو مایع مهم و حیاتی همان گونه که گفته شد، به‌طور بالقوه می‌توانند عوامل پایدار و پاینده‌ای برای همگرایی اقتصادی منطقه و پایه‌های مناسبی جهت حل و فصل بحران‌ها و مناقشات موجود هم باشند. نکته‌ای که در این خصوص حائز اهمیت است و می‌تواند به فعلیت ظرفیت‌های یاد شده نیز کمک نماید آن است که برخی از کشورهای پر آب منطقه نظیر ترکیه و لبنان، فاقد منابع نفتی هستند و در مقابل بسیاری از کشورهای نفت خیز مانند کویت و عربستان از نارسایی‌های شدید آبی رنج می‌برند. بدیهی است وجود متقابل توانایی‌ها و نیازمندی‌های مزبور و شرایط مکملی که موجود است، می‌تواند بستر مناسبی برای پیوندهای اقتصادی این کشورها و نهایتاً کاهش بحران در منطقه باشد. البته نباید از نظر دور داشت که وجود شرایط مساعد تنها یک شرط لازم و نه کافی و بودن آن به منزله حصول عملی همکاری‌ها متصور نیست. آنچه اهمیت بیشتری دارد استفاده بهنگام و بهینه از فرصت‌ها و ظرفیت‌هاست که متأسفانه فعلاً نشانه امیدوار کننده‌ای از آن در منطقه به چشم نمی‌خورد.

بنابراین می‌توان گفت همکاری کشورهای خاورمیانه عربی در زمینه مدیریت بحران آب بیش از هر چیز مستلزم تقسیم و تسهیم پاره‌ای از مزیت‌ها و امکانات منطقه‌ای می‌باشد که در حال حاضر به طرز ناعادلانه‌ای در اختیار قدرت‌های مسلط در هر یک از حوزه‌های بحرانی است و چنین تقسیمی موضوعی است که هیچیک از آن‌ها پیشگام تحقق آن نیستند. این امر به ویژه در مورد

اسرائیل به شکل بسیار ناامیدکننده‌ای صادق است. موجودیت نامشروع، روح افزون طلبی، سیاست‌های اهریمنی و توسعه‌طلبی‌های اشباع‌نشده‌ی این رژیم که محدود به حوزه رود اردن هم نیست و می‌توان رد پای آن را در حوزه‌های فرات و نیل نیز جستجو کرد، سبب می‌شود تا افق روشنی برای حصول یک صلح شرافتمندانه که پیشیناز همکاری‌های منطقه‌ای است، دیده نشود. به این ترتیب روندی که تاکنون جریان دارد و انتظار می‌رود در آینده نیز تداوم یابد، وضعیت بحرانی و بغرنجی است که آب را به عنصر تشنج و نزاع در جایی که یکی از مسلح‌ترین نقاط جهان است، مبدل ساخته و عامل موجد جنگ‌های خونین یا دستکم تشدیدکننده سایر منازعات منطقه خواهد کرد.

**پایان**

ضمیمه شماره ۱

قدرت تخمینی رژیم‌ها / کشورهای واقع در سه حوزه رودخانه‌ای خاورمیانه<sup>(۱)</sup>

حوزه	کشور / رژیم	اهمیت	قدرت	موقعیت حوزه‌ای	جمع
حوزه رود فرات	ترکیه	۴	۵	۵	۱۴
	سوریه	۴	۳	۳	۱۰
	عراق <sup>(۲)</sup>	۴	۴	۱	۹
حوزه رود اردن	اسرائیل	۵	۵	۴	۱۴
	اردن	۵	۲	۳	۱۰
	سوریه	۲	۳	۲	۷
	لبنان	۲	۱	۲	۵
حوزه رود نیل	مصر	۵	۵	۱	۱۱
	سودان	۴	۲	۴	۱۰
	اتیوپی	۲	۱	۴	۷

Frederick W.fery, The Political Context and Cooperration Over River Basins, Water International, Vol. 18, No. 1, (March 1993), P. 62.

۱. در این جدول اهمیت، قدرت و موقعیت حوزه‌ای کشورها با ارقام ۱ تا ۵ نشان داده شده است و منظور از قدرت در آن، توان نسبی نظامی این کشورها در تعقیب اهداف آبی در حوزه مربوطه است.  
 ۲. در جدول فوق که تغییرات شکلی مختصری در آن داده شده وضعیت قبل از جنگ خلیج فارس عراق مورد نظر است.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

#### ۱- کتب و رسائل

- امامی، محمد علی، *بررسی روابط سیاسی سوریه و عراق در دهه ۱۹۸۰*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۴۷.
- بایریل، ج. *جنگ طولانی: اعراب و اسرائیل*، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۹.
- برانت، ویلی. *شمال - جنوب، برنامه‌ای برای بقا*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۴.
- بیرمونت، پیتر و دیگران. *خاورمیانه*، ترجمه مدیر شانه چی و دیگران، تهران: معاونت استان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- حسینیان، مرتضی. *آب (پدیده‌ای مبارک و عامل حیات) از نظر قرآن و احادیث*، تهران: انتشارات فرهنگ، ۱۳۶۲.
- دراسیدل، آلاساریر. *جرالداج، بلیک. جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه درّه میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.
- رضویان، محمدتقی. *خاورمیانه*، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه ملی، ۱۳۵۸.
- عابدی، مصطفی. *روابط سوریه و عراق*، تهران: واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- فرشادگهر، ناصر. *نظام حقوقی رودهای بین‌المللی و اروند رود*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.

فولیکوف، د. ر و دیگران. *تاریخ معاصر کشورهای عربی*، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران: نشر قومس، ۱۳۶۷.

کاظمی، سید علی اصغر، *مدیریت بحران های بین المللی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۶.

گنجی، منوچهر. *حقوق بین المللی عمومی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.  
لستر، براون و دیگران. *وضعیت جهان ۱۹۸۹*، ترجمه حمید طراوتی، چاپ اول، تهران، نشر ژرف، ۱۳۷۰.

مدرس، فرشته و دیگران. *ملاحظات چند درباره خاورمیانه*، زیر نظر حمید بهزادی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین المللی، ۱۳۵۲.

مؤسسه «الارض» ویژه مطالعات فلسطینی، *استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای همجوار آن*، تهران: انتشارات بین المللی اسلامی، ۱۳۶۳.

مؤسسه مطالعات استراتژیک لندن، *آب، امنیت و خاورمیانه*، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین «ع»، ۱۳۷۲.

نوگت، جفری و تئودور توماس. *بحرین و خلیج فارس*، ترجمه همایون الهی، تهران: نشر قومس، ۱۳۶۹.

نوریان، محمد اسماعیل، *بحران آب و جنگ و صلح خاورمیانه*، رساله ارتقاء مقام، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.

## ۲- مقالات:

استار، جویس. "بحران آب، زمینه ساز درگیری های آینده در خاورمیانه" ترجمه ا. طباطبایی، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۵۵ و ۵۶.

اطاعت، جواد. "ویژگی های ژئوپلیتیک خاورمیانه"، *سلسله مقالات خاورمیانه شناسی*، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، مهر ۱۳۷۴.

- استار، جویس و دانیل استول، "سیاست خارجی آمریکا در برابر منابع آب خاورمیانه"، ترجمه علی همایون، *مجله زیتون*، شماره ۱۰۵، آذر تا بهمن ۱۳۷۰.
- \_\_\_\_\_، "سیاست خارجی آمریکا در برابر آب خاورمیانه"، ترجمه علی همایون، *مجله زیتون*، شماره ۱۰۶، اسفند ۱۳۷۰ و فروردین ۱۳۷۱.
- "بحران جهانی آب"، *ویژه نامه دانشجو*، شماره ۱۵، مهر ۱۳۷۱.
- باوند، داوود. "پان ساماتیسیم و استراتژی جدید منطقه‌ای اسرائیل"، *فصلنامه خاورمیانه*، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۳.
- توکلی، سید محسن. "صلح اعراب و اسرائیل، توطئه جدید در خلیج فارس"، *مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- خوش رفتار، رضا. "ژئوپلیتیک و منابع آب خاورمیانه"، *رشد آموزش جغرافیا*، سال نهم، شماره ۳۴، رحمانی، بیژن. "خاورمیانه، سیاست آب"، بی‌نا، بی‌تا.
- سلیم‌الحص، "مطامع رژیم صهیونیستی نسبت به منابع آب لبنان"، *روزنامه اطلاعات*، مورخ ۱۳۷۳/۳/۳.
- سیف‌زاده، حسین، "ایران و صلح اسرائیلی خاورمیانه، چالش‌های آینده"، *فصلنامه خاورمیانه*، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۳.
- شیپو، فرانسواز. "آب مسئله اصلی خاورمیانه"، ترجمه ایرج مهربان، *نگاه نو*، شماره ۹، مرداد - شهریور ۱۳۷۱.
- فاعور، علی. "آب و محیط زیست"، *مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس*، تهران: مرکز مطالعات خلیج فارس، ۱۳۴۷.
- کیوان حسینی، علی اصغر. "استراتژی توسعه منابع آبی رژیم صهیونیستی"، *فصلنامه مصباح*، شماره ۱۷.
- گروه پژوهش. جنگ بر سر آب، (قسمت اول)، *ماهنامه معیار*، شماره ۵، بهمن ۱۳۷۱.
- گروهی از استادان دانشگاه فنی زوربخ، "خاورمیانه و بحران آب‌ها"، زیر نظر اشپیلمن، *مجله سیاست خارجی*، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۳.

- گروه پژوهش، جنگ بر سر آب، (قسمت دوم)، *ماهنامه معیار*، شماره ۴، فروردین ۱۳۷۲.
- متین، ابولقاسم. "انسان در جستجوی آب"، *فصلنامه پژوهش و سازندگی*، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۷۱.
- محیط، علی. "اهمیت آب در کشاورزی"، *مجله کشاورزی*، شماره ۱۳۹، مرداد ۱۳۷۰.
- مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع. "آب، جنگ افزایش دو حرفی"، *مجله جنگل و مرتع*، شماره ۸، بهار ۱۳۷۰.
- مجتهدزاده، پیروز. "آب، محیط زیست و ژئوپلیتیک"، *فصلنامه خاورمیانه*، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۴.
- نراقی، یوسف. "رشد جمعیت و توسعه ملی"، *ماهنامه نگاه نو*، شماره ۹، مرداد - شهریور ۱۳۷۱.
- نیکخواه، احمد. آب مایه حیات، (سلسله مقالات)، *مجله زیتون*، شماره‌های ۱۱۱ به بعد.

### ۳- بولتن‌ها، گزارشات و اسناد:

- آقاجانی، "اهرام آب در سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه"، گزارش سفارت ج.ا.ا. در آنکارا، بی‌تا.
- "بحران آب در خاورمیانه" (ویژه‌نامه) شماره ۴. دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در قاهره، ۱۳۷۰.
- "بحران آب"، گزارش اداره اول آسیای غربی، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، آبان ۱۳۷۲.
- بک صحرائی، "اهمیت آب در تکوین بنیة صلح منطقه‌ای"، گزارش سفارت ج.ا.ا. در بیروت، ۱۳۷۲.
- "چگونگی برگزاری کنفرانس بین‌المللی آب در آنکارا"، گزارش سرکنسولگری ایران در استانبول، ۱۳۷۲.
- "خبرنامه اقتصادی"، شماره ۱۹، سفارت جمهوری اسلامی ایران در ریاض
- "چند پیشنهاد در خصوص موافقتنامه جدید کشورهای اتیوپی، سودان و مصر در خصوص آب نیل"، سفارت جمهوری اسلامی ایران در آدیس آبابا، شماره ۲۵۰، ۷۴/۳/۳.
- قاسمی، صابر، "بحران آب در خاورمیانه"، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.

"کمبود آب و درگیری بر سر منابع آبی"، بولتن شماره ۴۳۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، آبان ۱۳۷۱.

گابریلیان، روزا، "خدا به عرب ها نفت داده است نه به ترک ها آب"، گزارش واصله از سفارت جمهوری اسلامی در ایروان، فروردین ۱۳۷۵.

"گزارش منابع آبی کرانه غربی"، سفارت جمهوری اسلامی ایران در امان، ۲۴ تیرماه ۱۳۷۴.  
"مشکل آب در خاورمیانه"، بولتن شماره ۳۷۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، اردیبهشت ۱۳۷۱.

"نامه شاهزاده طلال به فهد"، ماهنامه بقیع (ارگان روحانیت مبارز جزیره العرب)، سال هفتم، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۷۱.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، "گزارش اداره اول آسیای غربی"، آبان ۱۳۷۲.

#### ۴- روزنامه‌ها:

روزنامه اطلاعات (ضمیمه)، مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۱.

\_\_\_\_\_، مورخ ۱۳۷۱/۷/۲.

\_\_\_\_\_، مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۲۰.

روزنامه سلام، مورخ ۱۳۷۲/۶/۲۳.

\_\_\_\_\_، مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۲۵.

روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۷۱/۴/۸.

روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۵.

\_\_\_\_\_، مورخ ۱۳۷۲/۲/۸.

\_\_\_\_\_، مورخ ۱۳۷۲/۴/۲.

روزنامه الایام، مورخ ۱۹۹۱/۱۰/۲۳.

\_\_\_\_\_، مورخ ۱۹۹۳/۸/۲۱.

روزنامه السفیر، مورخ ۱۹۹۳/۸/۲۱.

ب) منابع انگلیسی:

## 1. Books:

- Armajani, *Y.Middle East Past and Present*, New York: Prentice Hall INC, 1970.
- Buloch, John and Adel Darwish, *Water Wars; Coming Conflicts in the Middle East*, London: Victor Gollancz, 1993.
- Fishelson, Gideon, *Economic Cooperation in the Middle East*, London: Westview Press, 1989.
- Kallen, H.M. *Zionism and World Politics*, London, 1921.
- Khadduri, Majid, *Independent Iraq*, London, Oxford University Press, 1995.
- Lowdermilk, W.C. *Palestin: Land of Promise*, London, Victor Gollancz, 1944.
- Lowi, Miriam. R., *Water and Power: The Politics of a Scarce Recource in the Jordan River Basin*, Cambridge university Press, 1993.
- Nikolaieff, George A. *The Water Crisis*, third printing, New York: The H.W. Wilson Company, 1971.
- Revlina, B. *The Contemporary Middle East*, New York: Random House, 1965.
- Smith, C. G. *Water Resources and Irigation Development in the Middle East*, Geography, 5th, 1970.
- Starr, joyce. R. and Davied C. Stoll, *The Politics of Searcity Water in the Middle East*, Washington, D. C. Center for Strategic and International Studies, Westview Press, 1988.

## 2. Articles

- Bodgener, Jim, "GAP Scheme Grinds Away Regardless", *MEED*, Vol. 39, No.4. January, 1995.
- Buloch, John" Danger in Competition for Middle East Water", *Gulf Report*, No. 24. March, 1993.
- Cooly, John K, " Middle East Water " Power for Peace", *Middle East Policy*, Vol. 1, No. 2, November, 1990.
- Dolatyar, Mostafa, "Water Diplomacy in the Middle East", *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol. VII, No. 3, Fall, 1995.
- Ertan, Nazlan, "Turkey's Troubled Water Flow into Conflict" *Thurkish Daily News*, January, 1996.

Frey, Frederick w., "The Political Context of Conflict and Cooperation Over Internatioanl River Basins", *Water International*, Vol. 18, No. 1, March, 1993.

G leick, Peter H., "water and Conflict", *International Security*, Vol. 18, No. 1, Summer, 1993.

Hindly, A., "Water, MEED Special Report", *MEED*, No. 4, January, 1995.

Hof, Frederic C., "The Yarmouk and Jordan Rivers in the Isreal - Jordan Peace Treaty", *Middle East Policy*, Vol. III, No. 4, April, 1995.

Philips, kevin, "MEED Special Report: Power and Water, a Mismatch of Supplies and Demands", *MEED*, No.31, January, 1992.

Shahin, Momdouh, "Review and Assment of Water Resources in the Arab Region", *Water International*, Vol. 14, No. 4, December, 1989.

Tekli, Sahim, "Turkey Seeks Reconciliation for the water Issue Induced by the Southeastern Anatolia Project", *Middle East Policy*, Vol. 1, No. 2, November, 1990.

Turan, Ilter, "Turkey and Middle East: problems and Solutions", *Water International*, Vol. 18, No. 1, March, 1993.

"Water: Cause of Conflict or Hope of Peace?", *Gulf Report*, Vol. 21, March, 1993.

Whaittington, Dale and Elizabeth Mecelelland, "Opporrunities for Rigional and International Cooperation in the Nile Basin," *Water International*, Vol. 17, No. 3, September, 1992.

### 3. Newspapers:

Jurasalam Post, 15 August, 1990.

Turkish Daily News 3/1/1996.